

تاریخ 2008/02/09

بحثی پیرامون چگونه گی باور های دینی مسلمانان

بحث در مورد باور ها بحث دشواری است زیرا اساسی ترین بخش آگاهی انسان را تشکیل می دهند و همیشه موضوعی که مخالف باور های یک شخص باشد شدیداً با آن مخالفت می کند، خصوصاً که این بحث در مورد موضوع دین باشد، و آن هم در بین جامعه محافظه کاری چون افغانستان. ولی در این جا ما وارد جزئیات موضوع عقاید دینی نمی شویم و این که ایمان یا عقیده به کدام موضوعات در جمله اصول دین مطرح است یا در جمله فروع دین، و یا عقیده داشتن یا نداشتن به کدام موضوعات مسلمان را از غیر مسلمان جدا می کند، خارج از حدود و موضوع بحث فعلی ما است و از این سبب بحث ما آنقدر ها هم که از نام آن شاید پیدا شود خطر ناک نیست، و به احساسات کسی بر نخواهد خورد. آنچه که فعلاً مورد علاقه بحث ما است خود عقیده (نه موضوع مورد عقیده) است یعنی این که عقیده چگونه و از کدام منابع در یک فرد مسلمان ایجاد شده یا می شود. به این ترتیب بحث ما بیشتر به روانشناسی و جامعه شناسی دینی ارتباط می گیرد و یک بحث عقیدتی یا شرعی نیست. البته قابل تذکر است که شرایع و مذاهب مختلفه اسلامی بیشتر به سوال "چه" در مورد عقیده جواب می دهند، اما ما می خواهیم به سوال "چگونه" در مورد عقیده مصروف شویم. یعنی این مقاله تحلیلی است که باور های دینی چگونه تأسس می کنند، نه این که به چه باید باور داشته باشیم یا خیر. باور ها در اینجا به صورت عموم مطرح بحث است و شامل پیش فرض ها، بدیعیات و یا آن جمله از معارف انسان می شود که انگیزه و بالاخره هدف انسان را، بدون این که به شکل واضح آشکار شوند، تشکیل می دهند. باور ها در نزد افراد به صورت عموم به میخانیکیت های ذیل تأسس می کند:

1. **اعتماد به صلاحیت** یا باور های نقلی: تمام افراد نه وقت، نه توانایی و نه هم دلچسپی آن را دارند تا اصل حقیقی هر موضوعی را خودشان بدانند، اثبات کنند یا تجربه کنند، و ناگزیر بالای بعضی ها اعتماد می کند و به گفته ها، تجارب و دریافت های آنان باور می کند.

2. **تلقین:** تفاوت تلقین از اعتماد که در قبل ذکر شد این است که در این جا بدون این که اعتماد و صلاحیتی در کار

باشد، فرد بعضی موضوعات را که برایش توسط دیگران یا بعضاً توسط خودش القا می گردد منحیث یک حقیقت

غیر قابل سوال باور می کند.

3. **شناخت یا معرفت:** بالاخره افراد بعد از این که شناخت خود را در مورد یک موضوع انکشاف داده و تکمیل کردند،

از آن شناخت باور هایی ترتیب می دهند که مانند پیش فرض ها، در مراحل بعدی زنده گی شان، هم در روند

شناخت و هم در عمل در تطابق شان با زنده گی و محیط مورد استفاده قرار می گیرند.

روند تأسس باور ها در جامعه کمی متفاوت تر از افراد است یعنی زمانی که فرد در یک اجتماع است میخانیکیت های

دیگری هم در این امر به کار اند. هر چند جامعه متشکل از افراد آن می باشد، ولی جامعه خودش باز مانند یک فرد

مستقل دارای نظریات، باور ها، عقاید و پیش فرض هایی است که شاید برای هر فرد شامل آن اجتماع صدق نکند.

زمانی که این باور ها در یک فرد وجود دارند و سلوک و رفتار وی را تنظیم می کنند، در واقع جز اساسی از شخصیت

فرد را می سازند. یعنی شخصیت یک فرد عبارت از مجموعه خصوصیات از باور ها و سلوکی است که یک شخص

دارد و او را از سایرین متمایز می سازد. اما زمانی که این باور ها در یک جامعه مطرح بحث است، فرهنگ آن جامعه

را می سازند، و فرهنگ هم مانند شخصیت مجموعه خصوصیات همین باور های جامعه و عملکرد هایی است که جامعه

نظر به این باور ها انجام می دهند.

دانشمندان روانشناسی اجتماعی¹ عواملی را که در تأسس باور های افراد زمانی که در جامعه اند، در سه بخش مورد

مطالعه قرار داده اند که ذیل خلاصه می شوند:

1. **هم نوایی:** افراد زمانی که در یک گروه یا جمیعت متشکل می شوند کوشش می کنند تا با گروه هم نوا شوند،

و طی این پروسه بسیاری از موضوعاتی را که به نظر شان برای سایر اعضای گروه قابل قبول است، بی شک قبول

می کنند.

2. **اطاعت:** در جامعه همه افراد یکسان نیستند، و اشخاصی اند که از نظر قدرت، صلاحیت، دانش و آگاهی، و

غیره موارد، از سایرین بلند تر اند یا حد اقل برتری خویش را برای دیگران بدیهی و قابل قبول ساخته اند. تجارب نشان

داده است که اکثراً اطاعت کننده ها به این باور می شوند که در صورتی که از کسی اطاعت کنند، شخص مذکور

¹ Social Psychology

مسئولیت عواقب عمل آن ها را به عهده خواهد گرفت هر چند واقعیت چنین نیست. و به همین دلیل است که به آسانی با

اطاعت باور های خویش را نیز متغیر می سازند و به امید این که اطاعت شونده گان (آمرین) راضی باشند.

3. تلقین: در اجتماع این نقش به مراتب بیشتر است. تجارب نشان داده است که تلقین یک گروپ یا یک جمعیت

نسبت به افراد به طور انفرادی به مراتب آسان تر است، اعلانات تجارتي و هم کمپاین های سیاسی از این امر در ایجاد

باور های افراد استفاده اعظمی می کنند.

ایجاد باور های دینی

منابع و میخانیکیت به وجود آمدن باور های دینی در نزد مسلمانان اکثراً به گونه ذیل تشریح گردیده است.

مهمترین روش در ایجاد باور های دینی را قبول صلاحیت پیغمبر ص تشکیل می دهد. تمام مسلمانان به حضرت محمد

ص منحیث پیغمبر راستین و آخرین اعتماد دارند، و نتیجه تجارب دینی او را که اخذ وحی است قبول می کنند، و به این

ترتیب قران کریم که کلام خداوند است و توسط جبریل امین به آن حضرت ص وحی شده است منحیث مهم ترین منبع و

مرجع عقاید و باور های دینی در اسلام قبول می شود. اکثریت متفکرین مسلمان آن را یگانه مرجع و مأخذ قطعی و غیر

قابل انکار می دانند و به این باور اند که هر باور و عقیده دیگری در اسلام باید به اساس تعقل، مشاهده و استدلال در

روشنی قران صورت بگیرد، و اگر قران آن باور را مردود شمرده باشد، هیچ مرجع دیگری نمی تواند آن را قابل قبول

بداند.

هر چند تمام مسلمانان جهان قران کریم را منحیث مهم ترین مرجع و مأخذ باور های اسلامی قبول دارند، ولی دو نکته

در این مورد قابل یاد آوری است که نباید بحث در مورد آن فرو گذاشت شود.

یکی از آن موضوع تفسیر قران است و دومی هم بعضی از آیات قران کریم است که به نظر عده یی نسخ شده است.

الف: تفسیر قرآن

قبل از این که در مورد تفسیر قران بحث صورت بگیرد، باید یاد آوری شود که مسلمانان به این عقیده اند که قران کتابی

است که به زمان و مکان محدود نیست زیرا احکام قرانی شامل آن موضوعاتی است که انسان ها در هر جایی و در هر

زمانی با آن ها سر و کار دارند و این احکام تکلیف شان را در مقابل خدا و بنده گان وی نشان داده است. یا به عباره

ساده تر قران کتابی است که از بند زمان و مکان آزاد است و برای هر انسانی چه عرب باشد یا غیر عرب، و در هر

زمانی، گذشته حال و آینده منحیث اولین و مهم ترین مرجع دینی مسلمانان به شمار می رود. اما باید مد نظر باشد که این

اصل صرف در مورد متن قرآن صادق است و نمی توان این حکم را در مورد تفسیرهایی که از قرآن شده است نیز صادق شمرد. زیرا تفسیرهایی که از قرآن شده است توسط انسان ها صورت گرفته است و فهم و دانش و شناخت انسان ها محدود به زمان و مکان است و به این ترتیب هر تفسیری که از قرآن صورت گرفته است از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی همان عصر و همان مکان متأثر گردیده است. این امر چنان معنی می دهد که آن طوری که دین اسلام دین کامل است و قرآن کتاب کامل است، تفاسیر و فهم و دانشی که از قرآن تا حال صورت گرفته است کامل نیست. هر چند بسیاری از مسایل عقیدتی که مفسران از قرآن تفسیر کرده اند ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی یابد، ولی با آن هم موضوعاتی است که باید به طور مداوم با در نظر داشت واقعیت های زمانی، مکانی، عینی و ذهنی جامعه تجدید نظر شوند. یعنی همان طوری که تعدادی برای زمان و مکان خویش از قرآن تفسیری ساخته اند، دیگران نیز چنین کرده می توانند، و هیچ کسی این حق را از سایرین نگرفته است و هم نمی تواند که این حق را اخذ کند. خوشبختانه تا حال هیچ مفسری این ادعا را نکرده است که تفسیری که وی از قرآن کرده است آخرین و کامل ترین تفسیر است. پس می توان نتیجه گرفت که همان طوری که فهم ما از واقعیت ها وابسته به زمان و مکانی است که در آن زیست می کنیم، همان طور فهم و دانش مفسرین قرآن نیز وابسته به زمان و مکان ایشان بوده است. اگر این اصل در نظر گرفته نشود بعضی اوقات تفسیر ها به عوض این که در فهم معنی قرآن کمک کنند، برعکس مانع فهم درست از آیات قرآنی می شوند، که این مطلب را علامه اقبال در مورد تفسیر فخرالدین رازی که خواسته بود قرآن را در روشنی معرفت های فلسفی زمان خودش تفسیر کند چنین بیان کرده است:

تا سرمه رازی را از دیده فرو شستم

تقدیر امم دیدم پنهان به کتاب اندر²

به همین ترتیب مولانا جلال الدین بلخی عارف مشهور در قسمت تفسیر و تأویل آیات قرآنی تأکید خاصی دارد که جالب است، او در دفتر پنجم مثنوی می گوید:

حق بود تأویل کان گرمت کند

پر امید و چست و با شرمت کند

ور کند سست این حقیقت را بدان

هست تبدیل و نه تأویلت آن

این برای گرم کردن آمدست

تا بگیرد نا امیدان را دو دست

² علامه اقبال، کلیات

وز کسی کاتش زدست اندر هوس

معنی قران ز قران پرس و بس

ب: آیات منسوخ شده

در مورد موضوع آیاتی که به باور عده بی از علمای دینی منسوخ است، نظریات مختلف وجود دارد. چون قران منحيث یک کتاب به یکباره گی نازل نشده است، و بلکه به تدریج در مدت 23 سال و آن هم در شرایطی که زنده گی مسلمانان به سرعت در تحول و تغییر بوده است نازل شده است، بعضاً آیاتی در قران مشاهده می شود که نظریات متفاوتی را در مورد یک موضوع واحد بیان می کند. یک مثال آن ارتباط مسلمانان با پیروان سایر ادیان است. آیاتی است که مسلمانان را به تحمل وجود نظریات و عقاید متفاوت از مسلمانان حکم می کند و به مسلمانان می آموزد که بتوانند در پهلوی پیروان سایر ادیان به صلح و آرامش و مدارا زنده گی کنند، در عین حالی که به عقیده و ایمان خود قایم و پایبند اند. و حتی از مسلمانان خواسته شده است که با آن ها به عدالت رفتار کنند. مثلاً آیات ذیل:

آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! ³

و یا آیات ذیل:

بگو: ای کافران! آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم! و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم، و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! ⁴

در مورد چنین آیاتی بعضی از مفسرین به این باور اند که چون بعد از این ها آیات دیگری نیز نازل شده است که مسلمانان را به جهاد و جنگ علیه آن هایی که دین اسلام را قبول نداشتند، دعوت کرده است و گفته است که یگانه دین

³ آیت 42، سوره المایده، قران کریم⁴ سوره الکفرون، قران کریم

درست دین اسلام⁵ است، پس این نتیجه گرفته می شود که اگر در مورد یک موضوع دو آیت به معانی متفاوت نازل شده باشد همان آیتی که از نظر زمانی بعد از آیه اولی نازل شده است، قابل قبول است و آیت سابقه منسوخ است، یعنی نباید از معنی آن استفاده گردد. ولی عده دیگری از متفکرین اسلامی و مفسرین خصوصاً در عصر حاضر این مطلب را قبول ندارند و دلایل دیگری دارند. یک دانشمند دینی که در عصر حاضر در مورد اسلام تحقیق می کند و از جمله متفکران معاصر جهان اسلام محسوب می شود داکتر عبدالحمید احمد ابو سلیمان است که در مکه تولد شده است، و تحصیلات خویش را در عربستان و سایر ممالک اسلامی انجام داده و در تأسیس، اداره و پیشبرد چندین موسسه تحقیقاتی اسلامی مانند انستیتوت بین المللی تحقیقات افکار اسلامی، پوهنتون بین المللی اسلامی، و غیره کار کرده است در کتاب خود تحت عنوان *بحران فکری مسلمان*⁶ در مورد این موضوع بحث عمیقی دارد. موصوف به این نظر است که کسانی که منسوخ قرار دادن آیات قرانی را نظر به سابقه زمانی بحث کرده اند دوچار اشتباهی شده اند که قوانین و احکام خداوندی را با قوانین بشری قیاس کرده اند. در مورد قوانینی که توسط انبای بشر ایجاد می شود به راستی می توان چنان حکمی را جایز شمرد و در اکثر کشورها همین طور هم است، یعنی زمانی که پارلمان ایشان یک قانونی را در مورد یک موضوع خاص تصویب می کند، هر قانون سابقه ای که در مورد آن موضوع از قبل وجود داشته باشد منسوخ و از اعتبار ساقط می گردد. اما این حکم تنها برای قوانین بشری صادق است زیرا بشر و دانش وی به زمان و مکان محدود است و ممکن است که در یک زمانی یک موضوع را از یک دیدگاه دیده و یک حکمی کند، و در زمان دیگر با دانش دیگر حکم متفاوت و بهتری کند. اما کلام خداوندی که از زمان و مکان مبری است، باید به این نظر دیده نشود. نظر وی طوری است که قرآن به تدریج در مراحل متفاوت زنده گی مسلمانان نازل شده است، و در هر مرحله مسلمانان مشکلات و مسایلی داشته اند که از دوران قبل متفاوت بوده است، چنانچه امروز نیز همین طور است. در واقع خداوند ج در مورد مسایل نظر به این که مسلمانان در کدام موقعیت و در چه حالتی قرار داشته اند احکام نازل کرده است و اگر امروز مسلمانان می خواهند از قرآن بیاموزند اول باید خود را مطالعه کنند و ببینند که در چه وضعیتی قرار دارند و کدام آیات قرانی آن ها را بهتر رهنمایی می کند، البته قابل ذکر است که بسیاری از آیات به همه حالات یکسان است ولی تفسیر و تعبیر عده زیادی دیگری وابسته به زمان و مکان و درجه معرفت انسان ها بسته گی دارد. قرآن هم به این موضوع اشاره کرده است که بهترین دستورات را عملی کنید،

⁵ قابل تذکر است که اسلام در قرآن به معنی کلی یکتا پرستی آمده و قرآن ابراهیم ع و عیسی ع و سایرین پیغمبران و پیروان حق آن ها را نیز مسلمان معرفی کرده است، ولی در فرهنگ ما اسلامی صرف به پیروان حضرت محمد ص گفته می شود.

⁶ Abdul Hamid Ahmad Abu Sulaiman, Crisis in the Muslim mind, 1993, P. 39-40

و از بهترین دستورهانی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب

(الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!»⁷

در حالی که همه قرآن بهترین است، پس این بهترین هایی را که باید از آن ها دستور گرفت از روی چه مقیاسی باید سنجید؟ چنین مقیاسی در واقع وضعیت خود مسلمانان است که باید خود را مطالعه کنند که در چنین وضعیتی که آن ها دارند کدام آیات می تواند بیشتر به حال شان کمک کند. اگر در شرایط جنگ با پیروان سایر مذاهب و یا مورد حمله و تجاوز قرار دارند، باید از آیاتی استفاده کنند که به آن ها جهاد و قربانی دادن را دستور می دهد، ولی در زمانی که با سایرین در صلح و تحت قرار داد ها و موافقت نامه هایی زنده گی می کنند، این جا باید از آیاتی استفاده کنند که آن ها را به همزیستی و تحمل دعوت می کند. به این ترتیب اصلاً منسوخ به این معنی نیست که هر آیتی که از نظر زمانی متأخر است آیات متقدم خود را منسوخ می کند، بلکه منسوخ شدن می تواند مؤقتی و نسبی باشد، و در زمان های متفاوت و نسبت به وضعیت مسلمانان فرق کند. و به این ترتیب قرآن به شکل ضمنی خود آگاهی را بسیار اهمیت می دهد.

اطاعت (از راویان حدیث و سنت)

بعضی دیگر از متفکرین اسلامی به این باور اند که چون قرآن تمام موضوعات دینی را به تفصیل بحث نکرده است، باید در روشنی آیات قرآن مراجع و مأخذ دیگری را نیز مورد قبول قرار داد. که از جمله احادیث و سنت پیغمبر (ص) در قدم دوم بعد از قرآن قرار می گیرد. در مورد احادیث نیز محققین اسلامی همه به یک نظر نیستند، بعضی ها به این باور اند که احادیث هم باید همدیف قرآن منحصیث اولین منبع قرار داشته باشند که تعدادی از طرفداران این نظریه سر سخنان احادیثی را جمع، تدوین و تکثیر کرده اند که تمام امور زنده گی مردم را در بر میگیرد که از طرز آرایش ریش و موی سر، لباس پوشیدن، راه رفتن گرفته تا تعداد فرشته گان، اندازه بهشت و دوزخ، و حتی جزییات زنده گی مثل روابط جنسی بین زن و شوهر همه را به گفته خودشان رهنمایی می کنند، و به گفته منتقدین شان می خواهند تحت کنترل بیاورند.

ولی اکثریت متفکران اسلامی حدیث را به درجه دوم، بعد از قرآن قرار می دهند، و هم چنان بعضی دیگر به این باور اند که احادیث صرف می توانند در جایی که قرآن تشریح لازمی را در مورد عقاید نداده باشد، کار برد دارند ولی

⁷ آیه 55، سوره الزمر، قرآن کریم

استفاده بیشتر احادیث در قانون سازی (شریعت) که مذاهب مختلف با توصل به احادیث مختلف روش های مختلفی را ایجاد کرده اند می باشد که این ها در جمله اصول و باور های اساسی دینی به شمار نمی رود و از جمله مسایل فرعی دین به حساب می رود که می توانند در نزد هر فرقه از مسلمانان نظر به شرایط عینی زنده گی شان متفاوت باشد. و استدلال آنان در این است که قرآن کریم که در مدت 23 سال به تدریج نزول شده است، به تمام سوالات مسلمانان که با اهمیت است، پاسخ داده است و اگر امروز مسلمانان به مسایلی مواجه می شوند که آن سوالات در نزد مسلمانان اولیه (در زمان حیات حضرت محمد ص) وجود نداشته است، پس این ها آن درجه اهمیت ندارد که کسی را از دایره اسلام خارج کند. بعضی از متفکران اسلامی مانند علامه صلاح الدین سلجوقی چنین استدلال می کنند که خداوند چنانچه در قرآن وعده داده است که قرآن را حفاظت خواهد کرد⁸، چنین تضمینی در مورد احادیث وجود ندارد، و از جانب دیگر در زمان حیات حضرت محمد (ص) وی به هیچ کسی اجازه نداده است که احادیث را بنویسند، حتی بعد از رحلت آنحضرت، در زمان خلفای راشدین نیز کسی به تدوین و نوشتن احادیث اقدام نکرده است و حتی از آن نهی کرده اند، چنانچه روایت می شود که حضرت عمر رض خلیفه دوم مسلمانان برای هر کسی که حدیث روایت می کرد جزا (ضرب دره) تعیین کرده بود. و تمام احادیث تقریباً بیش از صد سال بعد از رحلت آنحضرت جمع آوری شده (اولین جامع حدیث را امام مالک می دانند که در سال 150 هجری قمری وفات نموده است⁹) که در میان این مدت فتنه های زیادی در بین مسلمانان رخ داده است، از جمله سه خلیفه از جمله خلفای راشدین به شهادت رسیدند، نواسه آنحضرت حسین رض را ناجوانمردانه به شهادت رسانیدند و تضاد های فکری و عملی فراوانی بین مسلمانان به وجود آمده و باعث تفرقه های زیاد و حتی شهید شدن تعداد زیادی از مسلمانان در جنگ با همدیگر گردیده. در چنین اوضاعی به دور از واقعیت نیست که هر گروهی برای اثبات حقانیت خویش دست به روایت حدیث زده باشند، چنانچه احادیث زیادی که یکی ضد و نقیض دیگری اند روایت شده است، مثلاً احادیثی که در بین اهل تشیع و اهل سنت وجود دارد می تواند این مطلب را به خوبی نشان بدهد.

بعضی از متفکرین اسلامی که بیشتر در این امر محتاط اند حتی می خواهند بدانند که حدیث در کدام زمان و در چه زمینه یی توسط آن حضرت ص بیان شده است تا با در نظر داشت زمینه تاریخی و اجتماعی آن معنی و مفهوم آن اخذ

⁸ آیه 9، سوره الحجر، قرآن کریم
⁹ صلاح الدین سلجوقی، تقویم انسان، ص 285

شود. به گونه مثال صلاح الدين سلجوقی در کتاب ((تقويم انسان)) روایتی را ذکر کرده است که این مدعا را به خوبی تشریح می کند.

قصه از این قرار بوده است که یکی از اصحاب آنحضرت ص جمعی از یاران را به جزور (نام دعوتی بود که در آن شتربچه را می کشتند و به اندازه مقدار آن نفر دعوت می کردند) دعوت نموده بود. می گویند در یک گوشه آخرین مجلس کدام شخصی سؤ هاضمه داشته و کدام بویی از او در آن گوشه مجلس شنیده شده بود.. و چون در آن وقت دروغ و ریا از بین آن مردمی که در حلقه اسلام داخل شده بودند تماماً از بین رفته بود، یقین بود که مرتکب این کار باید برای وضو کردن برآید و چون عادتاً همه اصحاب در این وقت که نماز پیشین نزدیک بود وضو داشتند البته مرد طالب وضو نزد ایشان مرتکب اینکار شناخته می شد، و حقیقتاً این واقعه به شخص طالب وضو بی خطر نبود و مخصوصاً در آن محفل بس خطیر و بزرگ و محترم و مقدس. آنحضرت ص بهر کیفی که بود از این مسله خبر شدند و چون وجود مبارک ایشان همیشه منبع رحمت و شفقت و شفاعت و پرده پوشی بود، برای رفع فتنه و نجات یک مرد معذور و مریض از خجالتی و انتقام دیگران از او فرمودند: ((یاران هر کس از شما که جزور خورده است باید وضو کند)). اکنون کسی که از زمینه اجتماعی این گفته مطلع نباشد، و تنها حدیث را بشنود چه می فهمد و آنکه زمینه آن را خبر داشته باشد چگونه تفسیر می کند. البته که دانستن زمینه اجتماعی و تاریخی حدیث در درک معنی و مفهوم آن تأثیر خیلی عظیمی به جا می گذارد.

از همین جهت در بین دانش دینی علم حدیث منحصراً یک بخش مهم عرض وجود نموده است، تا احادیث را مورد بررسی قرار داده و در قبول آن ها احتیاط لازم را به خرج دهند. هرچند عده یی از علمای حدیث در درستی احادیث روایت شده بیشتر به شخصیت روای تکیه می کنند ولی بسیار دیگر از علمای دینی روایت حدیث را، بدون ذکر نام روای حدیث، اسناد مربوط آن و یاد آوری زمینه بیان آن جایز نمی شمردند، تا این که شنونده بتواند در قبول آن به روایت روای، اسناد و زمینه تاریخی و اجتماعی آن قضاوت کند.

داکتر عبدالحمید احمد ابو سلیمان در کتاب خود تحت عنوان *بحران فکری مسلمانان*¹⁰ موضوع دیگری را نیز ذکر می کند و آن معنی عملی حدیث است یعنی این که دیده شود از معنی و تفسیر حدیث چه نتیجه عملی عاید می شود. وی احادیث را نظر به اسناد و معنی آن به چهار صنف تقسیم نموده است: یکی آن هایی که از نظر معنی و اسناد قابل قبول اند، دوم

¹⁰ Abdul Hamid Ahmad Abu Sulaiman, Crisis in the Muslim mind, 1993, P. 46

آن هایی که از نظر معنی قابل قبول اند ولی از نظر اسناد ضعیف اند، سوم آن هایی که بدون در نظر داشت اسناد آن معنی آن ها با اصول و اساسات دینی در تناقض است، و چهارم آن هایی که هم از نظر معنی با اصول دینی تناقض دارند و هم اسناد آن ها ضعیف است. که موصوف تنها دو صنف اول و دوم از این چهار صنف را برای استفاده سفارش کرده است.

قصه پردازی و روایات

باور های دینی در نزد عامه مسلمانان تنها از قران یا حدیث نه بلکه عملاً از مراجع دیگری هم می آیند و مسلمانان در مذاهب و زمینه های مختلف بالای اشخاص، روایات، افسانه ها، و تألیفات عده زیادی از متفکرین، بزرگان و راویان اعتماد کرده اند و برای خود در مورد دین باور هایی ساخته اند که امروزه این روایات و قصه ها بیشتر از قران تقدس کسب کرده است (به خصوص در نزد آن هایی که مطالعه کافی ندارند) و هیچ گاهی برای شان مورد سؤال نیستند، و به آن ها سرسختانه اعتقاد دارند.

مثلاً از قدرت های فوق العاده بی که مردم تحت باور های دینی، به بعضی از شخصیت ها (تاریخی یا افسانوی) قابل می شوند و این قدرت ها به گونه بی است که با عادت و عقل و استدلال و حتی اصول و اساسات دینی هیچ گونه نزدیکی و قرابت ندارد و حتی مانند مخدرات باعث تأثیرات سو بالای افکار مسلمانان گردیده است، می توان نام برد. اکثر این باور ها چنانچه گفته شد به حدیث یا قران ارتباط نداشته بلکه به اثر اعتمادی است که مردم به عده دیگری دارند. مثلاً از شخصیت های فوق العاده بی قصه می کنند که وقت ادای نماز بالای یک دیوار می نشستند (به گونه بی که بالای اسپ می نشینند) و در یک لحظه دیوار به حرکت می آمد و سریعاً آن ها را مثلاً از افغانستان به مکه مکرمه می برد، و آن ها در مسجد الحرام نماز خود را گذارده و دوباره به خانه خویش باز می گشتند، یا هم از شخصیت هایی قصه می شود که به عوض اسپ یا مرکب به سواری شیر به هر طرف رفت و آمد می کردند و یا هم شخصیت هایی بوده اند که ((در جنگ با انگلیسی ها با دم انداختن بالای چند سنگریزه و پرتاب نمودن به طرف کفار هژده هزار کافر را از بین برده اند.)) بعداً سخنان زیادی از این شخصیت های افسانوی روایت می شود و منحیث یک باور دینی قلب و ذهن مسلمانان را در دست می گیرند. چون مردم طبیعتاً به مسایل خارق العاده بیشتر تمایل دارند، این قصه ها خیلی خوب به ذوق آن ها خوش آمده و بیشتر متمایل می شوند تا از این قصه ها باور های دینی خویش را اخذ کنند.

دانشمند جامعه الازهر محمد ابو زهو در کتاب حدیث و محدثان که توسط استاد اسدالله جاهدی به فارسی ترجمه گردیده است روایت جالبی را در این رابطه می آورد و نشان می دهد که توجه و اهمیت دادن مردم به این قصه ها و قصه گو ها سابقه بسیار تاریخی در بین مسلمانان دارد، و حتی در زمانی که مجتهدین بزرگی چون امام ابو حنیفه حیات داشتند نیز مردم به این قصه ها و قصه گو ها توصل می جستند. موصوف از ابن جوزی نقل می کند که در مسجد کوفه قصه گویی بود که نامش زرعه بود. مادر ابو حنیفه (رض) می خواست در مورد چیزی فتوا را بداند. ابو حنیفه برایش فتوا داد ولی فتوای ابو حنیفه را قبول نکرد و گفت من جز گفته زرعه چیز دیگری را نمی پذیرم. ابو حنیفه با مادرش نزد زرعه رفتند و گفت: این مادر من است و در فلان موضوع از تو فتوا می خواهد. زرعه گفت تو از من دانا تری فتوایش بده. ابو حنیفه گفت: من چنین فتوا دادم، ولی نپذیرفت. زرعه عین همان فتوا را تکرار کرد و مادر ابو حنیفه راضی شد و بازگشت.¹¹

تلقین

تلقین هم در ایجاد باور های دینی خیلی موثر است، و اکثریت عامه مسلمانان باور های خویش را به این طریق ایجاد می کنند، بدون این که خودشان به عمق موضوع پی برده باشند. تلقین شدن به معنی قبول موضوعی بدون تفکر و نقد و بررسی آن و ایجاد باور ها یا تغییر باور ها از این طریق است. متأسفانه در اکثر موارد تلقین و تعلیم باهم به اشتباه گرفته شده و در اموری که مردم باید تعلیم داده شوند تلقین شده اند. تفاوت عمده بی که بین تعلیم و تلقین وجود دارد این است که در تعلیم به سوالات ((چگونه فکر کردن)) و ((چطور مسله ی را حل کردن)) پاسخ داده می شود در حالی که تلقین به سوالات ((به چه فکر کردن))، و ((حل مسله چه است)) پاسخ می دهد. دیده می شود که آن هایی که به تبلیغ و تعلیم دینی می پردازند به این امر توجه نکرده و همیشه شنونده گان را به حل موضوعات و این که در مورد چه فکر کنند محدود می سازند و به آن ها اجازه نمی دهند تا آن موضوعات را زیر سؤال قرار بدهند و یا مسله بی را خود شان با توجه به اصول و مأخذ معتبری حل کنند. و حتی سؤال کردن را در برخی موارد خطا و ناجایز می شمردند، مثلاً قبول شخصیت های افسانوی را که در بالا ذکر کردیم و اقوال و اعمال ایشان را به مردم تلقین می کنند، بدون این که به مردم اجازه بدهند که سؤال کنند که چطور ممکن است که یک انسان چنان خارق العاده باشد که با دیوار سواری در ظرف چند دقیقه راه هایی را که مردم با سواری طیاره نمی توانند بپیمایند طی کنند. یا چگونه آن ارجمندان توانستند که با پرتاب

¹¹ محمد ابو زهو، حدیث و محدثان (ترجمه اسدالله جاهدی) ص 122

کردن چند سنگ ریزه به سوی لشکر انگلیس هژده هزار نفر را کشته اند، در حالی که حضرت محمد ص که پیغمبر و آخرین نبی شمرده می شود و درجه او نزد خداوند ج بار ها بلند تر از این شخصیت های افسانوی است، و حتی که قابل مقایسه نیستند، هیچ گاهی چنین دیوار سواری، و شیر سواری نکرده است و در جنگ با مشرکین مکه مانند سایرین از تمام تکتیک های جنگی که در آن زمان مروج بود استفاده می کرده است و حتی که در یکی از این جنگ ها زخم هم برداشته و دندان مبارک ایشان آسیب برداشته است. در جایی که تلقین مطرح باشد، این گونه زیر سوال قرار دادن موضوعات جایز نیست و کسی حق هم ندارد که سوال کند. و در نتیجه به گفته داکتر سعید، مردم به این نتیجه می رسند که اکنون خوبی و خدا پرستی وجود ندارد و هرچه که بوده است مال آن گذشته ها بوده است، زیرا می بینند که در عمل آن ها هیچ قدرت خارق العاده بی را نمی بینند و این بد بینی دین را از زنده گی عملی بیرون نموده و به دارو های مخدر و خواب آوری تبدیل می سازد که صرف در هنگام جنازه و بعضی مراسم مذهبی به درد می خورد. در حالی که بیخبر اند این باور های مخدر تمام زنده گی شان را مسموم ساخته و هردو دنیا را از ایشان می ستاند.

همنوایی

همنوایی با جامعه هم در بین مسلمانان بیشتر باعث به وجود آوردن باور های دینی گردیده است. البته همنوایی در ذات خود چیزی بدی نیست، ولی هنگامی که با این روایات خرافاتی یکجا می شوند و تلقین به جای تعلیم اطاعت محض جای سؤال و تفکر را بگیرد، همنوایی به فاجعه مبدل می گردد.

معرفت و شناخت

قران منحیث مؤثق ترین منبع تعلیمات اسلامی معرفت و شناخت را وسیله اصلی کسب و اصلاح عقیده خوانده است. زیرا همین آگاهی است که اراده را می آفریند. خداوند به مراتب بیان کرده است که به انسان چشم (وسیله مشاهد، تجربه، دید)، گوش (وسیله شنیدن وحی، دلیل و برهان)، و دل (وسیله کشف شهودی و محل الهام)¹² اعطا کرده است تا به وسیله آن دیده و شنیده و آگاهانه ایمان بیاورند توجه با آیات ذیل:

¹² آیات 36، و 179 سوره الاعراف، 6-7 البقره، و غیره قران کریم

به يقين، گروه بسياري از جن و انس را براي دوزخ آفريديم؛ آنها دلهاي دارند که با آن نمی فهمند؛ و

چشماني که با آن نمی بينند؛ و گوشهائي که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهارپايانند؛ بلکه گمراهتر!

اينان همان غفلانند!¹³

يا

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤوند!¹⁴.

بعضی از متفکران اسلامی مانند علامه اقبال به این نظر اند که حتی تأکیدی که در اسلام در موضوع خاتمیت پیغمبری و این روش های سه گانه معرفت صورت گرفته است در حقیقت به این معنی است که دیگر انسان ها داخل مرحله رشد و بلوغ فکری و اندیشه شده اند و زمان آن فرا رسیده است که باور ها و عقاید و معارف بلند خودش را از خودش با کمک همین سه روش معرفت یعنی مشاهده (تجربه و استفاده از حواس در طبیعت و تاریخ)، عقل استدلال گر، و الهام قلبی اخذ کنند. اقبال می گوید که پیغمبر اسلام بین دو جهان قدیم و جدید ایستاده است، از جهتی که متکی به وحی الهی است و مسؤلیت پیغمبری دارد مربوط به جهان قدیم است و از جانب دیگر که اعم پیام وی استدلال، مشاهده، تعقل، تجربه و عمل است به جهان جدید مربوط است!¹⁵

به راستی وقتی به قران خارج از محدوده زمانی و مکانی و با یک فکر باز دقت شود، دیده می شود که این کتاب همه استدلال است، تجربه است، مشاهده است و همیشه تأکید بر این امر دارد که انسان باید به چشم و گوش بسته نه چیزی را قبول کند و نه هم چیزی را رد کند، یعنی اگر قبول یا رد می کند باید در هر دو صورت مسؤلانه و دانسته گام بردارد. شاه ولی الله دهلوی عارف بزرگ هندی قبل از هموطن خود به این نتیجه رسیده بود و از همین سبب تأکید می کرد که باید مسلمانان به قران بازگردند!¹⁶ اکنون متأسفانه شرایط به گونه ایی است که مسلمانان اول باور های خویش را از سایر منابع و مأخذ اخذ می کنند، و بعداً اگر به قران هم رجوع می کنند با یک فکر و ذهنی از قبل مشبوع شده و باور های جزم آمیزی که راه تمام سوالات را برایشان بسته است، و همین است که قران هم چندان کمکی برایشان کرده نمی تواند. و از جانب دیگر خصوصاً در جامعه غیر عرب مانند مردم ما، چون اکثراً عربی نمی دانند قران خواندن و شنیدن

¹³ آیه 179، سوره الاعراف، قران کریم

¹⁴ آیه 36، سوره الاسراء، قران کریم

¹⁵ علامه اقبال، احیای فکر دینی در اسلام

¹⁶ شاه ولی الله دهلوی، مقدمه ترجمه قران به فارسی

را صرف به مقصد کسب ثواب انجام می دهند. هر چند به گفته عبدالکریم سروش متفکر بزرگ ایرانی این قران خواندن نیز خالی از مفاد نیست زیرا حد اقل یک مقدار وقتی را که بعضی ها می توانستند در مسایل بیهوده به مصرف برسانند می گیرد. اما باید متوجه بود که ثواب اصلی فهمیدن و آگاه شدن از محتویات و احکام قرانی است و عملکرد به اساس آن آگاهی است.

متأسفانه غیاری که بعد از قرن سیزده ام میلادی، یعنی بعد از سقوط بغداد به دست چنگیزیان، به روی این طرز تعلیم و تدریس قران افتیده و طرز فکر و روش محافظه کارانه، سنت گرایانه و انجماد فکری که از آن حصول شد باعث شد که مسلمانان از آن حرکتی که آغاز کرده بودند و جهان کهنه را به جهان جدید تبدیل کنند، باز ماندند، در بحث های آینده بالای این موضوعات مکث بیشتری خواهیم کرد.